بحران سازی رسانهای در مدیریت جریان بیداری اسلامی بحرین

تحلیل گفتگوی سرمقاله‌های اخبارالخیلیج، الشرق‌الوسط و نیویورک تایمز

حسن بهر
دانشگاه معارف اسلامی و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

محمدهنی فرشازی
کارشناس ارشد فرهنگ و ارتباطات مطالعات سیاست‌گذاری دانشگاه امام صادق(ع)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۰۸

چکیده

این مقاله گرایش‌های از یک تحقیق دانشگاهی است که به منظور فهم نحوه بازنمایی «جریان بیداری اسلامی» در کشور بحرین، توسیع رسانه‌های جمعی سه کشور بحرین، عربستان و امیرکان انجام شده است. نمونه‌گیری از روزنامه‌ها، سرمقاله‌ها و جمله‌ها در این پژوهش با استفاده از شیوه «هدفمند ترکیبی» در سطح انجام شده است که به کمک روش عملیاتی تحلیل گفتگوی بیداری (بدام) تحلیل شده است. بدین ترتیب، که ابتدا با نگرشی خلاقانه «جریان بیداری اسلامی» در بحری بعنوان یک بحران و عامی غیربیداری اولین اثرش و سپس با استفاده از مبانی «مدیریت رسانه‌ای بحران» فرایند بازنمایی صورت گرفته و بر اساس متغیرهای مدیریت بحران مانند عامل بحرانی، ماهیت و موضوع بحران، گستردگی بحران و درنها براح بحران به عنوان سنجش‌های غیربیداری تیپین شده است. در واقع، در نظر گرفتن «جریان بیداری اسلامی» در بحران به عنوان یک بحران برای حکومت بحرین، این امکان را در تحلیل‌های انجام شده فراهم آورده است تا به‌طور واضح چگونگی مدیریت سرمقاله‌ای این جریان را نشان دهد که بر اساس تغییر در موضوع، ماهیت نوع حتی شعاع بحران شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بازنمایی، تحلیل گفتگوی بیداری، مدیریت بحران، بیداری اسلامی، بحرین

1. Drhbashir100@gmail.com
2. Tafarrojy@gmail.com

3. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.
مقدمه
با توجه به وضعیت موجود در کشور بحرین، مداخله و جانبه‌داری قدرت‌های تأثیرگذار منطقه از حکومت بحرین علیه مردم این کشور، چه به صورت کمک‌های مادی و نظامی و چه به صورت همسویی رسانه‌ای با حکومت بحرین، بیان کننده ایجاد مستقلیت جدی در منطقه است. مستقلیت که اگر به‌درستی مدیریت و رفع نشوید، باعث برم هم خوردنش قدرت در منطقه خواهد شد. بنابراین، اگرچه اعتراضات مردمی در بحرین سابقه‌ای فراز قدمت جریان بیداری اسلامی دارد، اما هم‌زمانی اعتراضات مردمی با این جریان، کشور بحرین را همچون سایر کشورهای مشابه دچار بحران کرد. بحرانی که خوشابند حکومت بحرین و صابر حکومت‌های همسو با آن نیست.
آنچه در این پژوهش موضوع مورد بحث است، نقش واسطه‌گری رسانه‌ها در جریان بیداری اسلامی در بحرین و باین‌نامی این آنت. زیرا با توجه به گسترش ارتباطات و فناوری‌های رسانه‌ها، به نظر می‌رسد جریان بیداری اسلامی به منابع `جمهوری اجتماعی جدید، فراگیر، منتهی به رسانه‌های جمعی، باز و انعطاف‌پذیر و با همواری، طبقاتی و سیاسی هستند` (شهرام‌نیا و میلانی، 1393: 78) آنها از این حیث خواهند توانست به ایجاد بحرانی فراگیر برای حکومت‌های دیکتاتور عرب منطقه خارجی‌مانه منجر شوند.
تأکید بر تعبیر `بحران` برای واقعی بحرین در بطن این پژوهش، به مثابه نقطه انتقالی که گسترشی تلقی شده است که بر اساس آن، گسترش‌های مورد استفاده در یک از رسانه‌های مورد بررسی و نیز نحوه و میزان بازنمایی انجام شده توسط آنان، تا حد زیادی قابل اندازه‌گیری خواهد بود.
بر این اساس، سرزمین‌های سه روزنامه آن خبرات، `الشرق الاوسط` و `نيویورك تایمز` که در مسیر اهمیت اعتبار منع و قابلیت دسترسی به آرشیو انتخاب شده‌اند، به مدت یک سال از وقوع جریان بیداری اسلامی در بحرین مورد تحلیل قرار گرفتند تا این طریق نحوه بازنمایی جریان بیداری اسلامی در کشور بحرین از منظر رسانه‌های سه کشور بحرین، عربستان و امارات، کشور درگیر و دو کشور دارای منافع در بحرین بررسی شود و گسترش‌های گسترش‌های رسانه‌های آنها مورد واکاوی قرار گردید.
در این پژوهش، به دلیل ماهیت اکتشافی فرضیهای وجود ندارد، اما پژوهش بر محور دو پرسش اساسی دنبال خواهد شد:

[DOI: 10.20286/priw-04041]
1. نشريات خارجی «خبر خليجی»، «الشرق الأوسط» و «نیویورک تایمز» چگونه تحولات کنونی بحرین (بدناری اسلامی) را بازنمایی کرده‌اند؟

2. گفتگوی یا اکتشاف به نشريات خارجی مورد طالعه بر اساس بدناری اسلامی در بحرین چیست؟

کلیات

۱۳۸۸ (۱۴ فوریه ۲۰۰۹)

در پی تغییر و تحولات جاری در جهان عرب که با سقوط رژیم «مبارک» و «بن علی» در مصر و تونس همراه بود، کشور بحرین نیز از ۱۴ فوریه سال ۲۰۱۱ شاهد روز دوز جدیدی از اعتراضات بود که طی آن ملت معرض بویرین خواستار سرنگونی رژیم «آل خلیفه» و انحلال پارلمان و دولت در این کشور شدند.

وقوع جریان بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و کشورهای شمال افريقا به مثابه پارچه از امید بود تا بدر در بحرین بتوانند همسو و همراه با این جریان نسبت به احقاق حقوق خود مصمم‌تر شوند.

در این میان و در تاریخ ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، گروه‌هایی از جوانان غیر سازمانی‌باینها در اطراف میدان لولو؛ میدان مرکزی منامه راهپیمایی کردن. هم‌گام با جنگ‌های مرمی در جهان عرب، این جوانان از طریق فراخوان‌هایی در شبکه‌های اجتماعی مجازی، خواهان اصلاحات در رژیم حکومتی این کشور شدند و برخی از آنها پا را در برتری گذاشتند و خواستار سرنگونی رژیم شدند. روز انتخاب شده که فقط سه روز پس از سرنگونی رئیس جمهور مصر حسن مبارک بود و با دهمین سالگرد اعلام پروزه اصلاحات منشور اقدام ملی به دست شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه، مصداق بود. یادآوری آن به گزارشات تظاهرات اعتراض آمیز در آن روز توهینی تلقی می‌شد به پادشاه و تمام خاندان سلطنتی» (اسماعیلی، نیکو و گل محمدی، ۱۳۸۱:۱۹۰)

«خواسته اولیه مردم بحرین حضور آرام و منضبط در خیابان‌ها و طرح مطالعه حود بن عیسی تحديد.

قدرت خانوادگی خلیفه در حکومت بحرین و واگذاری آن به پارلمان بوده (خوئیوز، ۱۳۹۰)

در ابتدا راه "معترضان بیشتر شیعه بحرینی" توجه خود را به ضرورت اصلاحات سیاسی و اقتصادی متمرکز کردن داشت. برخی از سنی‌های همدی در مراحل ابتدایی این جنگ

Downloaded from priw.ir at 6:19 +0330 on Saturday March 6th 2021 [DOI:10.20286/priw-04041]
دختی بهونه، اما پس از آنکه برخی معتضدان خوانیار سرگونی پادشاهی آل خلیفه شدند، تقیب‌اً حمایت سنسی از معتضدان شیعه بیان گرفت. (اسماعیلی، نیکو و گل محمده، 1391: ۲۷۱)

ناتوانی حکومت آل خلیفه در سردار مردمی و کارگر نیروی اجتاهیدار در بین اعتراض کنسانی گان باعث شد تنها در میانه ماه مارس پاسداشت [بیرین] از نیروهای نظامی شورای همکاری خلیفه فارس به منظور حمایت از حاکم‌یان سلطنتی در برابر تهدید فرآینده معتضدان دعوت به عمل آورد. رئیسم [بیرین] همچنان ادعا می‌کرد، دولت ایران از این اعتراضات حمایت می‌کند و برآن تأکید داشت که ایران به دنبال منافع خویش از تلاش شیعیان برای قدرت‌بایی در بحرین است. نیروهای نظامی شورای همکاری خلیفه فارس به رهبری عربستان، بوشیوی برای پادشاه در جهت اعلام وضعیت فوقالعاده در پانزده‌میار فراهم ساختند و برای توقف اعتراضات مردمی سرکوب را آغاز کردند.

شیخ حمد بن عسی، بنی‌ب‌ه درخواست متحدان غربی خود، به ویژه امریکا و انگلستان و در راستای احیای اقتصاد کشورش، قانون فوقالعاده را در ابتدا‌ی زودی لغو کرد و به انجام تحقیق بین‌المللی مستقل درباره وقایع قروه و مارس رضایت داد و دستور گرفت وقفه وقایع را صادر کرد که در پنجم‌ی زودی آغاز شد. اگرچه این اقدامات تحول‌ناپذیر مثبته شده بود که دشوار می‌آمده، اما لغو وضعیت فوقالعاده و آغاز گرفت وقفه وقایع میلی در واقع از تغییر روش و رژیم در برابر شهرودان خود حاکمیت نداشت.» (همان: ۱۹۵-۱۹۶)

کشور به بحرین در نهایت «به دلیل برخورد با بیش از ۷۰ درصد تركیب جمعیتی شیعه، مورد هجمه نظامی عربستان سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با بوشی نیروهای سپر جزیره قرار گرفت. برخی حاکمان سعودی و کشورهای عربی، تلاش کردند با ایجاد درگیری فرقه‌ای و اختلاف شیعه و سنی، مطالبات مردم بحرین را با تركیبی از روشهای نرم‌فراری و سخت‌فراری سرکوب کنند. پس از گذشت ماه‌ها از سرکوب نظامی و امنیتی مردم بحرین و در پی مقاومت مردم مسلمان این کشور و واکنش گروه‌های حقوقی بشری و غیر دولی نسبت به فجاعیه که در این کشور از سوی حکومت اعمال شد، شرایط برای نیروهای نظامی عربستان سعودی و همچنین حکومت بحرین دشوار شد و در نتیجه، مردم با تلاش بیشتری مطالبات خود را پیگیری کردند.
از جمله نکته‌های مهم در تحولات بحرین، می‌توان اشاره داشت به اینکه: ابتدا، هیچ‌گاه‌که رسانه‌های غربی و عربی نسبت به پوشش واقعی قیام مردم اقدامی نکردند.

دوم، رهبران سیاسی و دینی معارض بحرینی به رغم کشته و مجروح شدن صدا نه.

همواره مردم را به پیگیری مطالبات خود به طریق مسائل آمیز ترغیب کردند.

سوم، مردم بحرین مطالبات مشروع خود را بر روی هایی کاملاً دموکراتیک و مسلمت‌آمیز پیگیری کردند.

چهارم، بانوان طرح خاورمیانه بزرگ، از گسترش دموکراسی در کشورهای خاورمیانه صحبت کردند. اما برغم طرح مطالبات دموکراتیک از سوی معارضان و نقض حقوق بشر و رفتارهای ناقض دموکراتیک از سوی حكومت بحرین و سعودی، هیچ واکنشی از خود نشان ندادند و در واقع، مهر تأییدی بر اقدامات ضد انسانی و ضد دموکراتیک این حكومت‌ها زدند.

نابرابری بیننظر می‌رسد. قیام مردم بحرین با عنايت به خطای راهبردی و استراتژیک عربستان سعودی و حكومت بحرین و متل زن از تحولات خاورمیانه، به سمت و سویی پیش‌ خواهد رفت که با گشست نابیز چهارده بوده. (امیر عبداللهیان، 1340: 154-156)

اهداف قیام

اگرای اصلاحات اقتصادی، برداختن به ارزش‌های اسلامی، عمل به قانون اساسی و احیای مجلس انتخابی، آزادی سیاسی و ایجاد فضای بز سیاسی، آزادی بین و مطبوعات، مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف، آزادی زندانیان و بهداشتی شدن سیاسی، پایان اقدامات ناقض حقوق بشر، تأیید دادگاه‌های صحیح، اخراج مستشاران و نهادهای نظامی و انظمای و نیز رفع تبعیض‌های اجتماعی که خاص شیعیان است؛ (مرتضی بحرانی، 1381: 113) از خواسته‌های است که پیوسته مردم بحرین در پی تحقق آن بودهند.

این خواسته‌ها و اهداف پس از 14 فوریه 2011 نیز همچنان تداوم یافته و حتی به صورت پررنگتر دنبال شده، البته اگرچه گروه‌های معارض بحرینی در آگاه راه فاقد اهداف مشخص و واحد بودند، اما در اواسط سال 2011 شاهد آن هستیم که در حزب بزرگ و تأثیر گذار مانند جمعیت عمل بحرین و "جمعیت‌های افکام" که حتی از ایجاد درگیری در بین خود خودداری می‌کردند، توانستند با تکیه بر موضوعات مشترکی چون تأکید بر آزادی زندانیان سیاسی،
وحدت خود را حفظ کند و انقلاب را به پیش ببرد.

دبیگه حاکم بر جمعیت الوفاق، که جمعیتی سیاسی، اسلامی و شیعی است، این است که برای ساخت کشوری پیشرفته بايد به حاکمیت مردم در تمام مؤسسات حکومتی روی آورد و از این حيث شعار آزادی و عدلت و برابری را بر اساس اصول و مبادی اسلامی سر می‌دهد.

با آغاز قیام مردمی بحران در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، شیخ عیسی قاسم که رهبر معنوی جنبش الوفاق بحران، رهبری و هدایت مردم این کشور را جهت تبیین اعترافات مسلمان آمریکا نسبت به ظلم و ستم آل خلیفه و مطالب حقوق حقوق انسانی در این خاندان بر عهده گرفت و هرگاه آل خلیفه با ترور و توطئه‌ای خواسته تا به ریاست مردم و به هنگام انگیزه مذاکرات و گفت‌وگو با معارضان آتش قیام آنها را فرو بتشاند، شیخ عیسی قاسم در کتاب دیگر علماً این کشور با روشن کردن گزیه‌های خویش، این تروریت آل خلیفه را نقض بر آب ساخته است. (خیرگزار ابتدای ۱۳۹۲)

بنابراین، به دلیل دعوت شیخ عیسی قاسم از مردم برای وحدت ملی و مخالفت با فتنه‌های مذهبی و نیز تأکید بر راهحلی سیاسی به جای راه‌کارهای امنیتی و سرکوبگر بر در قبال بحران در بحران، نیروهای نظامی آل خلیفه در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ به منزل شیخ عیسی قاسم حمله کردند. (عبدالجلیل خلیفه ۱۳۹۲)

با تغییر نکردن حکومت و تداوم سیاست‌های آل خلیفه در قبال مردم بحران قبیل و بعد ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به نظر می‌رسد مردم نه تنها اهداف گذشته خود را دنبال کرده‌اند، بلکه پررنگتر از پیش آنها یا یک‌طرفی می‌کنند. به طوری که به قدرت یاسین موسوی نمایندگی شیخ عیسی قاسم، اهداف مشترک‌های مردم بحران چه کسی تغییر دموکراتیک و پایان دیکتاتوری در بحران، پایان ظلم و ستم‌گری حکومت بحران در معیشت، اقتصاد، پایان تهیه، کشتار مردم مؤمن و مردم روحمانی و نیز پایان تعریض به اموال و توامین نیست. (ستاد حقوق بشر قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۲)

جهانگروب نظری

بحران و مدیریت بحران

تعريف «بحران»

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده از منابع مختلف، بحران در جوئی سیاسی را می‌توان با تعريف
ذیل که یک تعريف پيشنهادي است تبين كرد:

وجود بالقوه يا بالفعل وضعیتي که توانست در سطح داخلی، خارجي یا بین المللی، دولت
یا كشوری را با مسئله اي جدي رو به رو سازد، و باعث تمرکز سياست كشور مذكور روی آن
شد. اين مسائل می توانند شامل موارد ذیل باشند: وقوع كودتای سقوط یک دولت، بروز جنگ
داخلی، منطقهای یا بین المللی، نظاهرات خشونت آميز خیابانی و خیزهای اجتماعی. (بشير
و تغریق شیرازی، ۱۳۹۱: ۷)

بر پایه این تعريف، وجود موارد فوق خواه بالقوه و خواه بالفعل در بحرین، حکایت از
وجود بحران در این كشور خواهد داشت.

انواع بحران:

صاحب نظران و كارشناسان حوزه بحران، تاکنون دسته بندی های گسترده ای از انواع و
ماهیت بحران ارائه کرده اند که بهطور کلی می توان آنها را در دو طبقه تک شاخصه و
چند شاخصه چاپ داد:

الف) بحران های تک شاخصه بر اساس معارفهای مانند:
• موضوع: بحران های سياسی، اجتماعی، اقتصادی و غيره.
• گسترده گی: محلی، ملی، فراملی - منطقه‌ای و بین المللی.

ب) بحران های چند شاخصه بر اساس معارفهای چون:
• داخلی، خارجي، فني و اجتماعي: به اين ترتيب، می توان چهار نوع از
بحران های فني داخلی، فني خارجي، اجتماعي داخلی و اجتماعي خارجي را از هم
جددا كردن (1978: ۱۸).
• ماهیت بحران (انسان ساکت یا طبیعت ساکت) و شعاع فراگیري بحران
(محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین المللی): به اين ترتيب، هشت نوع بحران مختلف از دل
آن مشروب می شود (قلمبور، بورعزت و روشنال اربطانی، ۱۳۸۷).
نمودار شماره ۱: طبقه‌بندی ماهیت و شعاع فراگیری بحران
(قلمیور و روشندل اربطاتی، ۱۳۸۷)

علاوه بر تقسیم‌بندی‌های فوق، آنچه در جوشه‌ی سیاسی پیرامون اعتراضات و قیام مردم
بحران می‌توان مطرح کرد، دو نوع بحران است: 
الف) بحران هویت و ب بحران مشروطیت.

بحران هویت و مشروطیت بحران‌های فرهنگی سیاسی است که زیرا این دو تبعیض‌کننده
نحوه نگرش مردم به سیاست، دیدگاه آنان نسبت به قدرت و برداشت آنان نسبت به نقش
واقعی حکومت بوده و همین‌ها هستند که جوهره و میزان وفاداری آنان به نظام مربوطه را

تشکیل می‌دهند. (پای، ۱۳۸۰: ۱۶۱)

الف) بحران هویت: «چهار شکل اصلی از بحران هویت وجود دارد. نخستین نوع بحران
مزور به احساسات سرزمینی، رابطه فضایی ژئوپلیتیکی و احساسات ناشی از مرواچیه است.
دومین شکل آن واقعی رخ می‌دهد که ساختار اجتماعی بودجه تقسیمات طبقاتی چنان گسترش
یابد که مانع وحدت ملی کارآمد شود. سومین صورت آن با تعارض بین هویت‌های قومی یا
1. Sub national
مدیریت بحران و رسانه‌ها

مدیریت بحران در حوزه‌های سیاسی عبارت است از: اداره و هدایت یک بحران توسط دیپلماسی که به طور معمول به منظور تعطیل یا تأخیر کردن بحران به کار می‌رود. (Berridge & Alanjame، 2001: 56)

در این بین، هر گزینه رسانه‌ها را به یکی از ابزارهای مهم هدایت و کنترل بحران به دلیل شدیداند. در واقع، رسانه‌ها خود را حد واسط میان پدیده‌ها، واقعیت و ومردم قرار می‌دهند و بالا ایجاد احساس غیر واقعی و مدیریت ادراک و هدایت نگرش‌ها. بر عملکرد و واکنش مخاطبان خود تأثیر می‌گذارند که این فرآیند به تواناد به ایجاد تهدید با خلق فرصتی از سوی رسانه‌ها بیانجامد. (سالار، 1385: 24-27)

"رسانه‌های جمعی به واسطه قابلیت و کارکردی‌های مانند اطلاع‌رسانی، آموزش و مهم‌تر از همه فرهنگ‌سازی می‌توانند در بحران‌ها نقش بپیشیند با اینکه در این بحران به کار رفته

جای برای حکومت بادشاوهای آل خلیفه نلقي می‌شود از این منظر حائز اهمیت است که چگونه حکومت آل خلیفه و متحدانش در بحران‌ها به عنوان ابزاری برای

مدیریت بحران استفاده می‌کند. بحرانی که می‌تواند برای امریکا، حکومت آل سعود مورد برای آل خلیفه به صورت مواردی همچون تقواً زندهی می‌شود، گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران و توسعه اگری اسلام سیاسی آن که موجب شدن نقش و حضور باربی‌ران و مذاکره و اثبات روبرو کردن گریزی امریکا، جلوها مانند تداوم حضور نیروهای نظامی امریکا در منطقه و تضاد منافع [غربی] با کشورهای عربی منطقه" (حاتمی، 1392: 1) بروز و ظهور پیدا کند.

بر این اساس، اگر بی‌درنگی رسانه‌های جمعی علاوه بر ماهیت ابزاری برای

حکومت‌ها به منظور رفع و مدیریت بحران، منبعی خبری و اطلاع‌رسان برای مخاطبان عمومی محصول می‌شوند، ناگزیر باید وارد حوزه پوشش خبری شد.
یوشش خبری
باژنامی و یوشش خبری

مفهوم باژنامی از مفاهیم کلیدی در مطالعه تمام رسانه‌ها و متن‌ها است. این مفهوم شدیداً به بحث‌های مربوط به نمایش واقعیت ارتباط پیدا می‌کند. زیرا سعی بسیاری از متن‌ها بر این است که واقعی به نظر رسد. اما آنچه ما در نزد خود واقعی می‌بینیم، خارج از باژنامی وجود ندارد. این موضوع جدایی از امور واقعی و تجارب است که در جهان اطراف ما روی می‌دهد. به دیگر سخن، منظره آن چیزی است که ما در داوری شخصی و جمعی خود به عنوان واقعیت می‌پذیریم یا رد می‌کنیم. بنابراین، اشیا، افراد، رویدادها و پدیده‌ها برای اینکه به واقعیت تبدیل شوند، باید به شکل باژنامی درآیند و این کار از طریق ورود آنها به عرضه زبان ممکن می‌شود. (محمدرضا، ۱۳۹۱، ج ۲: ۱۲۱)

رمان‌ها با باژنامی جهان پیرامون، بر شناخت و درک عموم تأثیر می‌گذارند و در تبیین سبب تحویل در ساخت اجتماعی واقعیت می‌شوند. بر این اساس، می‌توان گفت باژنامی ساخت رسانه‌ای واقعیت است. باژنامی نه انعکاس و پذیرش معنای پذیرده‌ها در جهان خارج که تولید و ساخت معنا بر اساس چهارچوب‌های مفهومی و گفتگویی است. (مهدیزاده، ۱۳۷۴: ۹)

نظریه باژنامی از آن رو که پیام‌های رسانه‌ای از جمله اخبار و تحلیل را به مثار آینده از واقعیت و به خود واقعیت تحلیل می‌کند و معنید است فرانک بنده باژنامی رسانه‌ای به طرفانه صورت نمی‌گیرد بلکه ریشه در گفتگوی و ایدولوژی دارد، می‌تواند چهارچوب مناسبی برای تحلیل نوع یوشش‌های خبری و باژنامی ارائه شده پیرامون «جریان بیداری اسلامی» در بحیره باشد. از سوی دیگر، پیوند محکم این نظریه با چهارچوب‌های زبانی و گفتگویی می‌تواند در کنار روش تحلیل گفتگوی به کمک تحلیل نتایج این تحقیق بیشتر گردد.

نظریه شرق‌شناسی

شرق‌شناسی ادوارد سعید، نمونه بزرگ و ماندگار مطالعات پسالستعماری است که نحوه باژنامی شرق در غرب را تصدی و بررسی می‌کند. سعید در شرق‌شناسی، ویژگی‌های گفتگویی

1. Orientalism
آن به خشش از دانش‌های مرتبط با عوامل شرق را نه به عنوان جامعه و فرهنگی که بر اساس شرایط خود عمل می‌کند، بلکه همچون مخزنی برای دانش غیر فلسفی می‌شود. به زعم سعید، توصیفی که از این کشورهای استعمارشده ارائه می‌شود، به گونه‌ای بود که آنها را خوان جلوه‌ی مداد از آنها تصویری منفی به عنوان «جهش» یا «دیگر» می‌ساخت تا تصویری مثبت و متهم‌نام از جامعه غرب ارائه شود. این بازئیمدا ها عمده‌ا در انطباق با قابلیت فکری‌های فکری‌های خاصی ساختار یافتنی که در طی زمان اکتشافات یافته بودند و از طریق کشور کاربرد آنها بود. خود را برخوردار از ارزش صداق می‌کردند. (مهدیزاده، 1389: ۱-۲۳)

سعید بیان می‌دارد که مجموعه‌ای از فرض‌ها و پندارهای نادرست، زیرسازی گرفتن «غرب» نسبت به «شرق» را تشکیل می‌دهد و تعصب ارایاداران پایداری و هوشمندانه‌ای علیه مردمان مسلمان عرب و سایر فرهنگ‌ها همواره وجود داشته است. در کتاب شرق‌شناسی، سعید تصویری می‌کند که مطالعه یادمانی در اسلامی بر مبنای عقلانیت سیاسی مبتنی بر خودبازاری بوده تا مطالعه عینی و شرق‌شناسی شکلی از تؤدیدسی و ابزار استلال امریکاییم بوته است (سعید، ۱۹۷۹: ۱۱-۱۸).

شرق‌شناسی استعماری غربی را به عنوان یک گفتگو مورد بحث و بر می‌دهد: یعنی، به عنوان یک پروژه بازئیمدا، تحلیل، ترجمه و دربرگیری و اداره «شرق» ناسازگار و درک‌نابین آری از رهگذر رمزها و متن‌های قاره‌ای. این ترسیم شرق توسط شرق‌شناسان غربی باعث برتری موقعیت و آگاهی غرب شده است که از این طریق، شرق به صورت میدانی برای امیال سرمایه‌گذاری‌ها، و پروژه‌های غربی ترسیم شده. (کاندی، ۱۳۸۸: ۲۰۵)

در واقع، استفاده از این نظریه قدرت تحلیل گفتگوهای مطرح شده توسط نشریات امریکایی محدود و محدود نمایان در منطقه را در مقابل چهارمین بیداری اسلامی» افزایش داده و شیوه‌ای برای توضیح منطقی بازئیمدا قدرت، از طریق ایجاد گفتگوهای یکپارچه برای بازئیمدا شرق است که در قسمت تحلیل روزنامه تایمز به تفصیل آمده است.

نظریه جهان‌سازی

برخاستاری و چهارچوب‌سازی به عنوان دو روشکرد مکمل مورد استفاده رسانه‌ها قرار گرفت.

1. Framing Theory
روش تحقیق و شیوه نمونه‌گیری

روش عملیاتی تحلیل گفتگو (پدام)

روش عملیاتی تحلیل گفتگو (پدام) که تاکنون در چند پایان‌نامه دانشگاهی و مقاله علمی روایی آن مورد آزمایش و تأیید قرار گرفته است، شبه‌هایی با روش فرکلاف که مبنی بر سه مرحله: "توسطی"، "تفسیر" و "توضیح" داشته که در این تحقیق به لحاظ عملیاتی تر بودن برای اندازه‌گیری آن مورد استفاده قرار گرفته است.

هریک از رویکردهای تحلیل گفتگو صرف‌گیری یک روش ساده نیستند، بلکه کل نظری و روش شناختی هستند و به منزله یک بعضی کامل تلقی می‌شوند. این بسته حاوی موارد زیر است:

- نخست: مفروضات فلسفی راجع به نقش زبان در بر ساخت اجتماعی جهان;
دومنگه‌های نظری:

سوم: دستورالعمل های روش‌شناختی راجع به نحوه نزدیک شدن به فلمند تحقیق;

چهارم: تکنیک‌های خاص تحلیل.

در تحلیل گفتمان، نظریه و روش به یکدیگر بیوند خوردند و محترم برای اینکه بتوانند از تحلیل گفتمان به منزله روش مطالعه تجربی استفاده کنند، یاد پیش فرض های اساسی فلسفی آن را نیز پذیردند. (یورگن سون و فیلیپس، 1389: 2)

مفهوم‌های فلسفی این پژوهش همان‌گونه درس شناختی بی‌هامی هر گفتمان زبانی است که در کتاب‌ها و مقالات‌های متعدد به آن اشاره شده است.

الگوهای نظری فراروی این تحلیل نیز به نظریه شرق‌شناسی، چهارچوب‌سازی و بررسی‌های اجتماعی واقعیت در سایه نظریه کلان بازنمایی است که پیوندی مستقیم با مبانی نظریه‌ای مرتبط به گفتمان دارد.

در نهایت، دستورالعمل‌های روش‌شناختی تحلیل گفتمان پدید، توجه به سه عنصر مهم الف) مفصل‌بندی های گفتمانی ب) تمعین محورها و دال‌های مرکزی و ج) قراره‌ی بین‌مانندی است. (به‌طور مثال: 1390: 84)

تکنیک‌های خاص تحلیل

روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدید)، داده‌های گفتمانی را در سطح سطحی تحمل که عبارت از "سطح سطحی", "سطح عمق", "عمق سطح", "عمق عمق", "عمق سطح" مورد توجه قرار می‌دهد: بنابراین، این جهت مراحل فرآیند روش پدید، ش بهائی با روش سه‌حل‌های فرق‌الافاده دارد. (همان: 10)

جمعیت آماری و شیوه نمونه‌گیری

بر اساس هدفی که پژوهش حاضر آن را دنبال می‌کند، یعنی، بازنمایی جریان بیداری اسلامی بحرین در رسانه‌های سه کشور بحرین، عربستان و امارات، جمعیت آماری ما تمام رسانه‌های جمعی و وابسته به دولت یا طرفدار منافع ملی این سه کشور است که به سطح جمعیت آماری بسیار کاملاً در خواهد بود. به این منظور، بر اساس (1) میزان وسعت و گسترش‌گری
1. Mixed Purposive Sampling

2. Sampling Politically Important Cases
تحلیل گفتگوهای نشریه‌های دارای تحولات اخیر بحرین
در پژوهش پیش رو پس از توجه به سرمقاله‌های عربی و انگلیسی، از پاراگراف‌های جمله‌های متن‌ها و این‌ها، از پاراگراف‌ها و جمله‌های معنادار نمونه‌گیری شد. نمونه‌های انتخاب شده پس از تحلیل در چهار مرحله نخست تحلیل گفتگو‌ها، کشف موارد و نیز استخراج دال‌های فرم و سازمانی آنها، در آخرين مرحله از تحلیل مدل مورد پنجم بر اساس یافته‌های تابعی و نیز نگاه‌های برخی مقاولانی که مقاله‌های گفتگویی هو روزنامه به شرح ذیل است.

تحلیل عمیق بر مبنای مورد تایید روزنامه‌هاي مرحله «احرار الخلاف» (مرحله پنج)
تحلیل داده‌های روزنامه‌های «احرار الخلاف» از فروردین ۱۳۹۸ تا فروردین ۱۳۹۹ در مرحله عمیق تحلیل (مرحله پنج) که به طور عمده دال‌های مرکزی در مرحله قبیل (مرحله چهار) را مورد توجه قرار می‌دهد، بر چهار مقوله اساسی استوار است.

الف) مشروباتخوشی به سرکوب گری و اشغال عربی - عربی
این مقوله با دریافت سهل مکرر و میزان هجده دال فرعي بهشترین تایید روزنامه‌هاي انبار خلافی را به خود اختصاص داده است. دال‌های مرکزی موجود در این مقوله، در تلاش برای توجیه واقعیت هستند؛ توجیه اقدامات کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عملیات نظامی نیروهای سپر جزیره در بحرین به‌این دال فرعي، توجیه وابستگی حكومت آل خلیفه به خاندان سعود در عربستان با پنج دال فرعي و توجیه سرکوب‌گری حكومت آل خلیفه نسبت به مردم با دو دال فرعي به ترتیب بیشترین تأکیدات را در این روزنامه داشتند.

ب) هم‌دستی شیعیان با ایران و مخالفت با حكومت سنی بحرین
این مقوله شامل دو دال مرکزی و هشت دال فرعي حمایت کننده است.
1. Actional
2. Relational
می‌توان نحوه کشفمانسازی توسط این روزنامه را با تأکید بر مبانی پیش‌گفته مدیریت رسانه‌ای بحران در جدول شماره ۱ تبیین کرد.

جدول شماره ۱: فرایند پذیرش‌پذیری بحران در بحران از طریق مدیریت رسانه‌ای بحران توسط روزنامه «خبرات الخلیج»

جدول فوق تبیین کننده نسبت میان بحران و رسانه در موضوع بحران است. ردیف عمودی جدول سیر وقوع بحران از زمان آغاز تا پس از وقوع آن را ترسیم و ردیف افقی جدول، فرایند پذیرش‌پذیری و مدیریت رسانه‌ای را تبیین می‌کند. در ردیف عمودی چهار مؤلفه اصلی عامل بحران‌زا، موضوع بحران، گسترش و حل آن از منظر یک رسانه نشان داده شده است. در آخرین خانه این ردیف، ثبات نیز به عنوان مرحله اتمام بحران در جدول گنجانده شده است تا مرز میان بحران و عدم بحران در نهایت مشخص شود.
بر این مبنای، دریافت افکتی این چهار مؤلفه را در قالب «تصویر واقعی»، «سیاست‌ها و راهبردهای و تصویری بازنمایی‌شده» نشان می‌دهد. در واقع، تصویر واقعی اشاره به تصویری دارد که باً‌این در رسانه‌ها و منطق‌بنا واقعیت موجود به جامعه ارائه شود. سیاست‌ها و راهکارها اشاره به شیوه مدیریت رسنایی‌های بحران از طریق تأثیرگذاری بر نگرش مخاطبان دارد و در نتیجه تصویری بازنمایی در پی ارائه تصویری از بحران است که ساخته شده گفتمان مورد استفاده رسنای است. بنابراین، این جدول هر دو ویژگی گفتمان که هم‌ساخته شده و هم سازنده است را در دو سطح نشان می‌دهد؛ ساخته شده توسط حکومت، صاحبان قدرت و رسنای و سازنده چهارچوب‌های فکری، تصاویری از واقعات و بحران‌ها.

**تحلیل عمیق‌تر محورهای مورد تأکید روزنامه «الشرق الوسطی»**

تحلیل عمیق‌تر سرقلالهای روزنامه «الشرق الوسطی» در نهایت به هم مقوله اساسی منتهی شد که در واقع یافته و شالوده گفتمان «سعودی» را در این روزنامه نشان می‌دهد.

الف) محور مقاومت عامل بحران‌آفرینی در خاور میانه

این مقوله با داشتن یکی دال مرکزی و مجموع بیست دال فرعی حمایت کننده، به‌شترین پشتیبانی از جانب روزنامه «الشرق الوسطی» است. این روزنامه با قرار دادن کشور ایران، سوریه و حزبالله لبنان در یک جبهه با عنوان محور ایرانی، این محور را ضعیف منفعت طلب، پی تأثیر، منفور در میان مردم و تروریست، می‌خوانند و در عین حال با استدلالهای خود، کوشش اقدامات مناسب و به‌ین محور را از جنبه‌های مذهبی، تاریخی و فیتوخورهای خشونت‌آمیز تهیه‌کننده برای همه کشورهای منطقه خاورمیانه محروم کند.

این تحلیل نشان می‌دهد که «الشرق الوسطی» با به‌کارگیری دو دال مرکزی در کنار هم و به عنوان مکمل یکدیگر، به‌غيرت سازنده برنامه محور مقاومت پرداخته است. این کار به این روزنامه این مکان را خواهد داد تا با حاشیه رانند نقش ضعف خود و نقاط قوت را بررسی سعی در کشیدن هاله‌ای از قدرت دست‌نایافته به اطراف خود کند» (مقدمی، 1390).
(ج) هم‌دستی شیعیان با ایران و سوئیس‌سازی از جریان بیداری اسلامی

این مقوله با دو دال مرکزی همسو و مکمل، به اتهام زنی به شیعه می‌پردازد. دال مرکزی نخست شیعیان را اندک، زیاده‌خواه، سیبطانگو و ایزرا تحقیق اهداف ایران و حزب الله توصیف می‌کند و دال مرکزی دوم به این مطلب می‌پردازد که ماهیت قیام مردمی در بحرین متفاوت از جریان بیداری اسلامی است و شیعه برای کسب قدرت در بحرین در بی‌پره‌پداری از این جریان به نفع خود است.

با در نظر گرفتن مقوله‌های فوق در گلفتنان «سعودی»، جدول شماره ۲ تلاشی است تا بازنمایی «جریان بیداری اسلامی» در بحرین را به عنوان یک بحران در گلفتنان مورد استفاده روزنامه «الشرق الأوسط» در حد خود تبیین کند.
جدول شماره۲: فرایند بازنمایی بحران در بحران از طریق مدل سیاست‌های بحران توسط روزنامه «الشرق الأوسط»

<table>
<thead>
<tr>
<th>تصویر بازنمایی</th>
<th>سایت‌ها</th>
<th>مباحث</th>
<th>یادداشت‌های مربوط به معماری بحران</th>
<th>راهبردها</th>
<th>تصاویر آمیزه‌ای</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>مجاری مشورتی</td>
<td>حکومت آل خلیفه</td>
<td>عامل بحران زا</td>
<td>موثر بحران</td>
<td>مشورتی بحران</td>
<td>گسترشی بحران</td>
</tr>
<tr>
<td>هم‌چنین</td>
<td>حکومت آل خلیفه</td>
<td>عامل بحران</td>
<td>موثر بحران</td>
<td>مشورتی بحران</td>
<td>گسترشی بحران</td>
</tr>
<tr>
<td>تضمین موسومات بحران</td>
<td>حکومت آل خلیفه</td>
<td>عامل بحران</td>
<td>موثر بحران</td>
<td>مشورتی بحران</td>
<td>گسترشی بحران</td>
</tr>
<tr>
<td>تضمین موسومات بحران</td>
<td>حکومت آل خلیفه</td>
<td>عامل بحران</td>
<td>موثر بحران</td>
<td>مشورتی بحران</td>
<td>گسترشی بحران</td>
</tr>
<tr>
<td>تضمین موسومات بحران</td>
<td>حکومت آل خلیفه</td>
<td>عامل بحران</td>
<td>موثر بحران</td>
<td>مشورتی بحران</td>
<td>گسترشی بحران</td>
</tr>
</tbody>
</table>

تجلیل عمیق‌تر محورهای مورد تأکید روزنامه «نیویورک تایمز»

تجلیل عمیق‌تر روزنامه «نیویورک تایمز» در نهایت به سه مقوله اساسی منتهی شد که در ادامه آورده شده است:

الف) مخیمانی که دیپلماسی منفعت طلبانه آمریکا در بحران با توجیه سیاست دوگانه «دموکراسی خواهی-سرکوب گری»
این مقوله شامل سه دال مرکزی با مجموعه هفده دال فرعی است. دال‌های مرکزی این مقول به ترتیب در پی توجهی سیاست پرهیز از حمایت و مداخله در بحرین، توجهی سیاست منتفی سکوت، حمایت و مشارکت در سرکوب مردم بحرین و نیز توجهی این پیش فرض هستند که وجود منفعت و تداوم آن برای امریکا در خلیج فارس و در هر شرایطی یک اصل طبیعی و پذیرفته شده است.

پرهیز از حمایت و مداخله در بحرین بدلیل صورت توجهی می‌شود که حمایت یا مشارکت امریکا در سرکوب مردم بحرین نخست وزنه و جهت آزادی خواهی و دموکراسی طلبی امریکا را مخودش می‌کند و در حد و وجهه عربستان نژل می‌دهد و دوم موجب تنش مردم بحرین و سایر کشورهای همسایه از امریکا می‌شود که این خود به منافع و حضور درازمدت امریکا در خلیج فارس لطمه می‌زند.

سیاست سکوت، حمایت و مشارکت در سرکوب مردم بحرین نیز به این صورت توجهی می‌شود که ابتدا منافع امریکا در منطقه خلیج فارس اقتضاً چنین اقدامی می‌کند و بر اساس زمان و مکان این سیاست سکوت می‌تواند به حمایت یا حتی مشارکت تبادل شود و دوم ایران نیز در پی به بهتر برداری از مسئله بحرین است؛ بنابراین، می‌تواند با ایران که دشمن درجه یک امریکا است، از اولویت‌های امریکا است. توجهی سوم نیز می‌باشد بر مبنای وجود منفعت برای امریکا در همه شرایط، به این مشکل اشاره دارد که وضعیت بحرین، استثنائات امریکا را میان دموکراسی‌های خواهی یا توجهی سرکوب گر قرار داده است.

در واقع، رویکرد گفتگویی روزنامه نیویورک تایمز، متأثر از گفتگوی سیاست خارجی امریکا پیرامون جریان بیداری اسلامی در منطقه است که در مسیری از انتفاضه‌ی این یکجانبه گرایی رقم خورده است. اساساً اتخاذ این گونه استراتژی در سیاست خارجی ایالات متحده امریکا، از یک سو، می‌تواند بر معنی‌سازی نرم در منطقه خاورمیانه و قابل حکم‌های انتخابی و چندجانبه از جمله بسط صلح، امنیت و هنگام‌های انخلا جهان شمول رخ می‌دهد و از طرف دیگر یکجانبه گرایی است که پارادوکس دیالکتیک کنترل اذیت عوومی را به منظور تداوم منافع مادی و بسط هژمونی در رفتار خارجی این کشور آشکار ساخته است. (رسولی نامی آبادی و علی‌پور، ۱۳۹۲: ۵۵)
(ب) نامشروع بودن حکومت‌های بحرین و سعودی و مکزیک سازی آنها

این مقله با دو دال مرکزی و مجموعه یکتند مثبطه دال فریعی به وصف ماهیت رژیم‌های
دلیکاتوری آل خليج و آل سعود در بحرین عربستان می‌پردازد. از دید «نیویورک تایمز»،
ماهیت دلیکاتوری و روحیه سروبک‌گرانه این دو رژیم، باعث قیام مردم در بحرین شده
است. وجود خلف‌دان سیاسی، نبود آزادی، خشونت جنگی و شکنجه مردم غیر نظامی که در پی
dموکراسی و آزادی مستند، به‌شکل و جهت رژیم عربستان و بحرین را در اذهان مخدرش کرده
است. بنابراین، حاکمان سبی مذهب این دو کشور در پی فربکاری و جنرال چهار مخدرش
خود به واسطه نظاهر به پیشرفته ماند.

از دید «نیویورک تایمز»، دلیل وقوع قیام در بحرین، ماهیت دلیکاتوری حکومت بحرین
است و ادعا رژیم آل خليجی مبنی بر مذاکره جویی ایران و نیز وجود تقابل مذهبی میان شیعه
سنی ادعای مردود و پیاس است.

(ج) انگلستان و آمریکا سرمداران آزادی، دموکراسی و حقوق بشر

دال مرکزی حمایت کننده این مقله، با استفاده از دو استدلال، آمریکا و انگلستان را
اشاعه‌دهنده و الغوی به‌دلی آلزادی و دموکراتی معرفی می‌کند. استدلال نخست بر این
امیر تأکید می‌کند که قیام دموکراتی خواهانه مردم در بحرین، ریشه در فضای آزادن‌های دارد
که آمریکا و انگلستان برای رهبران قیام و نخیگان مخالف حکومت دلیکاتوری بحرین ایجاد
کرده است. استدلال دوم نیز بر این موضوع متمرکز است که آزادی بیان رسانایان در آمریکا
و انگلستان و نیز تسهیل این جریان خبری آزادانه موجب محدودیت رژیم‌های دلیکاتوری
عرب در سانسور اعلامات شده است؛ بنابراین، از این جهت آمریکا اشاعه‌دهنده آزادی بیان
و مدافع دموکراتی است.

در نگاهی کلی، تحلیل روزنامه «نیویورک تایمز» نتایجی متفاوت از دو روزنامه عربی‌زبان
«خبرنامه کلیه» و «الشرق الأوسط» داشت. این در حالی است که کشور امارات نیز همچون
دو کشور بحرین و عربستان منافع اساسی در بحرین داشته و از بروز هرگونه بحران در این
کشور متضرر خواهد شد. طبق نتایج حاصل از بررسی این روزنامه در مجموع ثابت که
از دو رویکرد متناقض در قالب «گفتگوی امریکایی» پیرویان بحرین استفاده شده است. یکی

Downloaded from priw.ir at 6:19 +0330 on Saturday March 6th 2021          [ DOI: 10.20286/priw-04041 ]
رویکرد حمایت از آزادی و دموکراتی، خواهی مردم و دیگری رویکردهایی که طیف سکوت، حمایت و مشارکت در سرکوب مردم را شامل می‌شود. طبق نتایج تحلیل صورت کرده، "نیویورک تایمز" پیوسته به جنبش‌های مردمی در جهان برخاسته و حکومت و تیترها نظام می‌کرد. این روزنامه مابینی مردم محترمه با برنامه مادیح بر سه‌مرداد می‌گیرد. این روزنامه خود را در انگلستان و متحد آن، یعنی آمریکا کلید‌زدند. حتی این تکه را نیز پاداً در می‌شور که رهبران اصلی جریان مقاومت حکومت نیز با وقوع اعتراضات، از انگلستان به بحرین می‌آیند و در تلاش برای به دست گرفتن جریان اعتراضات می‌شورند.

همانطور که پیشتر به آن اشاره شد، شرق و همواره اعتراضاتی به مثابه "دیگری" پست نسبت به غرب می‌داد. ممکن است این تصور نیز در روزنامه "نیویورک تایمز" بروز یافته است. این موضوع وقتی پیچیده‌تر می‌شود که با وجود چندین گفتگویی، ناگیر از برقراری ارتباط مستمر با "دیگری" که خود، آنان را به بی‌درنگی یا بی‌حرازی بیان می‌کنند ترسیم کرده‌ایم، برای دستیابی به منفعت بشرت مانند نفت باشیم. بنابراین، از این منظر فهم این نکته آسان می‌شود که تکرار دو گفتگوی مناقض، رویکرد "نیویورک تایمز" را در قبال بحران بحرین تشکیل می‌دهد. گفتگویی که حمایت گری از سرکوب را به بهانه کسب منفعت و نیز مقابله با ایران که آن هم جزئی از "دیگری" در تناوب‌بند محسوب می‌شود، توجه می‌کند.

بر این اساس، گفتگوی‌های آل خليفة و گفتگوی سعودی برای ادامه گفتگوی امریکایی است. چه از نظر شیوه‌ها و کلیه گفتگویان ها به آنها وابسته است و چه از منظر هدف نهایی که دنبال می‌کنند، یعنی منفعت امریکا و غرب. جدول شماره 3 فراپن مدیریت رسانه‌ای بحران را توسط روزنامه "نیویورک تایمز" نشان می‌دهد.
جدول شماره ۳: فرآیند بازآموزی بحران در بحرین از طریق مدیریت رسانه‌ای بحران توسط روزنامه «نیویورک تایمز»

<table>
<thead>
<tr>
<th>تصویر بازآموزی</th>
<th>تصویر راکد</th>
<th>تصویر بازآموزی</th>
<th>تصویر راکد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>راهبردها</td>
<td>سیاست‌ها</td>
<td>م salariه‌ها</td>
<td>م salariه‌ها</td>
</tr>
<tr>
<td>تاکید بر فرآیند کاری جانشین بحرین</td>
<td>سیاست‌های از متمایزه و خاصیت</td>
<td>حکومت آل کردان بحران</td>
<td>حکومت آل کردان بحران</td>
</tr>
</tbody>
</table>

**عامل بحران زا**

1. تاکید بر عدم مشروطیت جانشین مسئولیت حکومتی در بحرین
2. شرایط حقوقی و حقوقی حکومت آل کردان در ساختار
3. طرح صدور اقدامات مختلف در بحرین
4. کنار قرار شرکت‌های و سیاست‌های بحرین

**موضوع بحران**

1. نقش و دلیل بحران کننده در جنبه‌های اکتشافی و نمایشگاه بحرین
2. تأکید بر عدم حفظ اقدامات از سوی بحرین
3. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین

**خانگی بحران**

1. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
2. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
3. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
4. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین

**حاجی بحران**

1. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
2. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
3. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
4. تأکید بر عدم حفظ حقوق و حقوق بشر در بحرین
نتیجه‌گیری
در این مقاله، پس از تحلیل گفتگوی ۲۲ سرمایه‌گذار از سه روزنامه «خبرات خلیج»، «الشرق الأوسط» و «نیویورک تایمز»، دلایلی مربوط به حرکت‌های اقتصادی، سیاسی و سیاسی آمریکا در بحران علیه ایران و گفتگوی امریکایی به طور جداگانه مشخص شده‌اند که بر اساس یافته‌های موجود ابتدا جریان بیداری اسلامی در بحران به عنوان یک بحران ابتکار شد و سپس با استفاده از مبانی «مدیریت رسانه‌ای بحران»، فراخوان بانک‌های صورت گرفته، گام به گام بر اساس متغیرهای مدیریت بحران مانند عامل بحران‌زا، ماهیت و راه‌حل بحران به عنوان سنجش‌های غیر گفتگویی بینی شد.
در نهایت، این نتیجه به دست آمده که روزنامه «خبرات خلیج» علاوه بر معرفی حکومت ایران به عنوان عامل اصلی بحران، وضعیت موجود را به مشکل مشروطه‌ای آل خلیفه که نوعی تقابل مذهبی شامل کرده است. این روزنامه «الشرق الأوسط» نیز عامل ماهیت بحران در بحران را به ترتیب محور شیعی مقاومت و تقابل شیعه و سنی بانک‌های می‌کند و در نهایت روزنامه «نیویورک تایمز» اگرچه ادعای بحران مشروطه‌ای در بحران می‌کند، اما راه‌حل بحران را تیپ در تبییت منافع امریکا در بحران عنوان می‌کند و چنین آزادی با برقراری حکومت مردمی، بنا براین، رویکردهایی متناقض در گفتگوی به کار برده شده که در عین نسبت دادن ریشه دموکراسی، طلایی و آزادی خواهی در بحران به حاکم حاکم بر انگلستان و امریکا به عنوان انسانی بی‌بیک دچار اشکال کرده است. این روزنامه بحران را همچون میدانی برای میان‌الملل، میان‌المللی گذاری، و رویکردهای غربی نرسیده است؛ بنابراین، در برخی موارد از سرکوب مردم بحران نیز حمایت کرده و خطر از دست رفتن منافع را یادآور شده است.
کتابنامه

استIRT, جان (1384) رسانه‌های فرهنگی، سیاسی و دموکراسی (حیال‌الله فقیهی‌نژاد)، تهران: مؤسسه
انتشارات روزنامه ایران.

اسطح‌العلی، علی؛ نیکو، حسین و گل محمدی، مهدی (1391) سیاست، زمینه‌ها و پیامدهای ترویجی‌کننده بی‌پارتی
اسلامی، تهران: سوره مهر.

امیر عبداللهیان، حسین (1390) ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بی‌پارتی اسلامی در جهان عرب،

بهرانی، مرتضی (1381) جنبش‌های سیاسی/اجتماعی بحرین، تهران: انتشارات سازان نور.

بیشتر، حسن (1390) رسانه‌های بی‌گناه: قرآنی با تحلیل کفتنمان، تهران: انتشارات سیمای شرق.

بیشتر، حسن: تفریجی شیرازی، محمدتقی (1391) بازنشستی و مدیریت رسانه‌ای بحران در بحرین: تحلیل
کفتنمان نشریات عربی زبان کشورهای حاشیه خلیج فارس از 7 مارس تا 8 روشن (2011)، جستارهای
سیاسی معاصر، س. 3، ش. 2، صص 40-61.

پای، لوسین و همکاران (1380) بحران‌ها و توآوری‌ها در توسعه سیاسی (ترجمه غلامرضا خواجه‌مروی)،
تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.

حاتمی، محمدصدر (1392) «تحولات بحرین: بررسی جلسه‌ها و فرصت‌های پیشرفت امتداد می‌لای
جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، س. 3، ش. 3، پاییز، صص 1-20.

روسولی تابی آبادی، الهام (1392): تبیین سیاست خارجی آمریکا در مدیریت تحولات
افغانی - عربی: از سازگاری‌های تا روبه‌رویه و کنش‌های مبتنی بر متعنی‌های پیروی، فصلنامه پژوهش‌های
سیاسی جهان/اسلام، س. 3، پاییز، صص 55-81.

روشن‌دشت ایرانتی، طاهر (1387) «نشق مدیریت رسانه‌ها در تحلیل بحران از تهدید به فرصت، فصلنامه
علمی پژوهش‌های پژوهش‌های آرتیکولی، س. 15، ش. 55، صص 161-112.

سازاری، حسین (1385) بررسی تهیه‌های رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه عالی دفاع.
شهردانی، امیرحسین میلانی، جعفر (1393) بررسی جنبش‌های خاورمیانه به مثابه جنبش‌های اجتماعی
جدید (فرصت‌ها - تهدید‌ها)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام، س. 4، ش. 1، بهار، صص
87-88.

قلمی‌بور، آهنگ: پول‌زایی، اصغر و روشن‌دشت ایرانی، طاهر (1387)، تدوینی‌شناسی بحران با رویکرد نظم
و امنیت، فصلنامه نظم در انتظامی، ش. 2، صص 131-136.

گاندی، لیلا (1388)، پیروی از مبنا اولازاده و همایون کاکستاتان، تهران: پژوهش‌کده
مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.

محمدپور، احمد (1390), تدوینی تحقیق کیفی، مدیر روش، تهران: جامعه‌شناسی، ج.
مقدمی، محمدتقی (1390), نظریه تحلیل کفتنمان لاکلو و موف و نقد آن، فصلنامه معرفت فرهنگی
اجتماعی قم: مؤسسه امام خمینی، شماره ۶، صص ۹۱-۱۴۲.

مهدیزاده، محمد (۱۳۸۷)، رسانه و بازاریابی، تهران: دفتر مطالعات رسانه‌ها.

مهدیزاده، محمد (۱۳۸۹)، نظریه‌های رسانه‌ای، تهران: انتشارات هولناک، تهران: همشهری.

بورگن سون، ماریان: تایلر، توریزی (۱۳۹۱)، نظریه و روش در تحلیل گفتگوی، (ترجمه هادی جهانی).

تهران: نی.


خلیل، عبدالجلیل (۱۳۹۲/۴/۹)، دلیل حمله به منزل شیخ عباسی قاسم، پایگاه خبری تحلیلی اول ترکیز به انقلاب از شبکه العالم، قابل دسترس در:

http://www.awalnews.ir/vdcg3z9w.ak9yy4prra.html

خوئینوز (۱۳۹۳/۱۱/۳)، «بحرین نمونهای بی‌همتای در اعتراض»، پایگاه خوئینوز، قابل دسترس در:

http://www.khouznews.ir/fa/news

خبرگزاری اینا (۱۳۹۳/۴/۹)، «زندگینامه آیت‌الله شیخ عبید قاسم»، پایگاه خبرگزاری اینا، قابل دسترس در:

http://www.abna.ir/data.asp?lang=1&id=420933

سناد حقوق بشر قواعد قضاطیه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲/۴/۱۱)، اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی هدف اصلی دشمنان در بحرین، پایگاه سناد حقوق بشر قواعد قضاطیه، قابل دسترس در:


با این حال، این گونه ارائه دیده:

بی‌خبر، حسن: تفریحی، محمدعلی (۱۳۹۲)، بحران سازی رسانه‌ای در مدیریت جریان سازی بی‌داری اسلامی بحرین؛ فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، ص ۴، ش ۴، زمستان، صص ۱ - ۲۸.